

تاریخ اقتصادی و سیاسی
خلیج فارس
در عصر افشاریه و زندیه



♦
دکتر حمید اسدپور
(استادیار دانشگاه خلیج فارس)



ناشر / انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی



نویسنده / دکتر حمید اسدیپور؛ استادیار دانشگاه خلیج فارس

طراح جلد / سید کیانوش سعادت‌مند

نمونه خوانی / وحید دریاییگی

حروف نگار / مرتضی انصاف منش

لیتوگرافی / ترمه

چاپ و صحافی / رامین



شمارگان / ۱۲۰۰ نسخه

چاپ اول / ۱۳۸۷

شابک / ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۱۱-۰۶-۱

قیمت / ۶۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.



نشانی ناشر / تهران، خیابان زرتشت غربی، شماره ۷۶

تلفکس / ۸۸۹۸۳۱۸۰ - ۸۸۹۸۳۱۷۹ - ۸۸۹۸۳۱۷۸



سرشناسه: عنوان و نام پدیدآور: تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه/حمید اسدیپور. وضعیت نشر: تهران: مشخصات طبعی: ۲۲۰ ص. وضعیت فهرست نویسی: فیا موضوع: خلیج فارس -- تاریخ ۱۲۱۸-۱۱۲۸-ق. شناسه افزوده: مؤسسه مطالعات فرهنگ و تمدن ایران زمین. مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی. رده بندی دیویی: رده بندی کنگره: DSR ۲۱۲۴: ۳۸۷-ت ۱۲۴	اسدیپور، حمید... مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۱۱-۰۶-۱ یادداشت: کتابخانه: ۲۰۶-۳۹۹ ص. شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۹۳۳۲
---	--



حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۷
مقدمه.....	۱۱
بخش اول: ایران و خلیج فارس در دوران صفویه.....	۱۹
فصل اول: اوضاع سیاسی و اجتماعی خلیج فارس در روزگار صفویه.....	۲۱
فصل دوم: فروپاشی صفویه و آثار آن بر تجارت ایران در خلیج فارس.....	۴۹
بخش دوم: ایران و خلیج فارس در دوران افشاریه.....	۱۰۱
فصل اول: اوضاع سیاسی ایران در عصر افشاریه.....	۱۰۳
فصل دوم: بازرگانی و دریانوردی تجاری خلیج فارس در عهد افشاریه.....	۱۲۵
فصل سوم: قتل نادر شاه افشار، آغاز دوره تمرکززدایی و اثرات آن بر تجارت و دریانوردی ایران.....	۱۸۱
بخش سوم: اوضاع سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در دوران زندیه.....	۱۹۵
فصل اول: زمینه‌های ظهور کریم‌خان زند و تشکیل دولت زندیه در ایران و اوضاع سیاسی.....	۱۹۷
فصل دوم: تجارت خلیج فارس در دوران زندیه و جایگاه ایران در آن.....	۲۳۹
فصل سوم: مرگ کریم خان زند و اثرات آن بر تجارت ایران در خلیج فارس.....	۲۸۱
بخش چهارم: شرکت‌های تجاری و بازرگانی خارجی در خلیج فارس (دوران افشاریه و زندیه).....	۲۸۷
فصل اول: پیشینه حضور بازرگانان و شرکت‌های تجاری اروپایی در خلیج فارس.....	۲۸۹
فصل دوم: پیشینه حضور بازرگانان و شرکت هند شرقی انگلیس در خلیج فارس.....	۲۹۳
فصل سوم: پیشینه حضور بازرگانان و شرکت هند شرقی هلند در خلیج فارس.....	۳۰۱
فصل چهارم: پیشینه حضور بازرگانان و شرکت هند شرقی فرانسه در خلیج فارس.....	۳۱۱
بخش پنجم: حکام محلی کرانه‌های خلیج فارس در دوران افشاری و زندیه.....	۳۱۵
فصل اول: حکام محلی کرانه‌های خلیج فارس و نقش آنها در تجارت دوران افشاریه و زندیه.....	۳۱۷
فصل دوم: ملاعلی شاه و نقش او در تحولات خلیج فارس ۱۷۴۷ م - ۱۷۶۳ م.....	۳۲۷
فصل سوم: حکام محلی بوشهر و جایگاه آن در تحولات خلیج فارس از قتل نادرشاه تا.....	۳۴۳
ارزیابی نهایی و سخن پایانی.....	۳۸۳
کتابنامه (مآخذ و منابع).....	۳۹۱
نمایه.....	۴۰۷

پیش‌گفتار

خلیج فارس به‌عنوان یک آبراه و پدیده جغرافیایی از شرایط خاص و پیچیده‌ای برخوردار است. این شرایط خاص و پیچیده تنها ناشی از جایگاه آن در قرون جدید و بویژه دوران معاصر نیست، بلکه از سینه دم تاریخ بشری تاکنون یکی از دریاها و پدیده‌های جغرافیایی مؤثر در شکل‌گیری تمدن‌ها و اجتماعات بشری بوده است. بنابراین خلیج فارس نه تنها بخشی از جغرافیای ایران و آسیا را تشکیل می‌دهد بلکه بخش مهمی از تاریخ ایران و جهان را نیز به خود اختصاص می‌دهد همان‌گونه که امروز، نقش بسیار مهم، استراتژیک و بی‌نظیری را در عرصه انرژی، اقتصاد، سیاست و روابط بین‌المللی به‌خود اختصاص داده است.

اشارات یاد شده و بیان گوشه‌ها و زوایایی از اهمیت و موقعیت ویژه خلیج فارس در دنیای کهن و دنیای جدید نشان‌دهنده نقش و جایگاه غیرقابل انکار خلیج فارس در شکل‌گیری تاریخ، فرهنگ، اقتصاد، و اجتماع ایران از یک‌سو و کشورهای منطقه از سوی دیگر است، کما اینکه خلیج فارس نقش غیرقابل انکاری در اقتصاد، انرژی، و روابط بین‌المللی دنیای معاصر ایفا می‌کند. خوشبختانه در کشورمان ایران، ما ناگزیر از توضیح و تبیین بیشتر پیرامون جایگاه و اهمیت خلیج فارس نیست. زیرا در شرایط جاری و اوضاع فرهنگی و اجتماعی موجود همگان بر اهمیت و جایگاه ویژه خلیج فارس در عرصه داخلی و خارجی آگاهی دارند. برای نمونه علاقه‌مندی و حساسیت جامعه ایرانی نسبت به نامه تاریخی خلیج فارس و لزوم پاسداری از حقوق طبیعی و تاریخی ملت ایران در زنده نگهداشتن نام خلیج فارس، نشانه‌ای از این آگاهی مسئولانه و علاقه‌مندی وطن‌دوستان‌هاست. با این حال و علیرغم این آگاهی گسترده، متأسفانه تحقیقات جامع و گسترده درباره تاریخ، فرهنگ، جغرافیا، اجتماع، و اقتصاد و سایر مسائل خلیج فارس به

عمل نیامده و اکثر منابع و مآخذ موجود به زبان فارسی و حداقل در دو حوزه پژوهش‌های تاریخی، از مسئله موضوعات و سخنان تکراری رنج می‌برند. فقر موجود در منابع مربوط به خلیج فارس و فقدان مآخذ علمی و بدیع در این باره موجب پیدایش وقفه و خلأ در راستای انجام پژوهش‌های گسترده و افزون‌تر شده است. برای نمونه در زمینه تاریخ و باستان‌شناسی خلیج فارس، انجام تحقیقات جدید با متد علمی و نگرش‌های بدیع با رویکرد ایرانی به ندرت و کمندی صورت می‌پذیرد، در حالی که یکی از نیازهای علمی جامعه ایران انجام چنین پژوهش‌ها ضروری می‌باشد. این امر مهم ما را متوجه مسئله دیگری می‌سازد که همانا ضرورت امروز نیازمند نهضت خلیج فارس‌شناسی پژوهی است. جامعه علمی در حوزه سیاسی خلیج فارس است. در واقع ایران‌شناسی و ایران‌سازی و به عبارتی نوسازی جامعه ایرانی بدون خلیج فارس‌شناسی، جریانی ناقص و ناکارآمد خواهد بود.

با این اعتقاد و رویکرد، پژوهش حاضر در قالب یک اثر تاریخی پیرامون بازرگانی و سیاست ایران در خلیج فارس در دوران بسیار مهم و انتقالی تاریخ جدید ایران مبنای دوران افشاریه و زندیه به زیور طبع آراسته و تقدیم علاقه‌مندان به مسائل تاریخی فارس شده است. در واقع نگارنده، با این باور و رویکرد به پژوهش در این حوزه وارد شده و موضوعات مهمی همچون اقتصاد خلیج در عصر افشاریه و زندیه را تحت مطالعه قرار داده است. در انجام این پژوهش تلاش شده است که گفتمان مسلط در عرصه اقتصاد تجارت و سیاست خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه کشف و پی‌گیری شده و مسائل و حوادث تاریخی از این زاویه مورد کاوش و بررسی قرار گیرند. امید است که از این راه و به قدر وسع و توانی خویش گوشه‌ای از این وظیفه خود را به این آب و خاک و از جمله خلیج فارس که دروازه ایران‌شهر و پاره تن ایران زمین است ادا کرده باشیم. به کارگیری بحث و عنصر گفتمان و کشف گفتمان مسلط بر روابط مسائل تجاری و اجتماعی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه از یک سو و تاریخ فارس در قرن هجدهم میلادی از سوی دیگر یکی از ویژگی‌های این پژوهش است که انتظار می‌رود چراغ هدایتی برای اینجانب و سایر علاقه‌مندان به پژوهش در حوزه مسائل تاریخی برافروخته گردد. در واقع این پژوهش یک تحقیق مبتنی بر گفتمان پژوهی تاریخ است. اینجانب در جهت انجام و سامان رساندن این پژوهش از مساعدت و راهنمایی عالمانه و مشفقانه استادانه فاضل

برجسته‌ای همچون آقای دکتر شعبانی جناب دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد، جناب آقای دکتر محمدباقر وثوقی و جناب آقای دکتر عبدالرسول خیراندیش بهره‌مند و فیض‌ها بردم که در این مجال از این عزیزان صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم. از برادر عزیز جناب مهدی ذاکری که معاونت سازمان مساعدت فراوان مبذول نموده و از فعالیت‌های علمی و فرهنگی مرتبط با خلیج پشتیبانی و حمایت می‌کنند.

در تهران از مقامات و مدیران محترم مؤسسه مطالعات فرهنگ و تمدن ایران‌زمین مخصوصاً برادر عزیز جناب آقای دکتر بهزادیان‌نژاد و جناب آقای حیدری‌نیا که با لطف و عنایت کریمانه خویش و روحیه دانش‌پروری و ایران‌دوستی خود، زمینه‌های چاپ و انتشار این اثر را فراهم نمود، صمیمانه و خالصانه تقدیر و تشکر می‌کنم.

بدیهی است که مسئولیت لغزش‌های احتمالی برعهده اینجانب خواهد بود، لذا ضمن پذیرش خطاها و نقایص کار از پژوهش‌گران و اهل نظر، انتظار می‌رود که با انتقادات و پیشنهادات خود بذل مساعدت فرموده حتماً بنده را از نظرات فاضلانه خویش، نگارنده را محروم نکنند.

پیش‌کشی ناقابل به حضور گرامی و شریف همه کسانی که به خلیج فارس عشق می‌ورزند و آن را همچون پاره‌تن ایران، عزیز و گرامی می‌دارند.

مقدمه

بازرگانی به علل گوناگون همواره یکی از وجوه و ویژگی‌های اساسی و بنیادین جامعه ایران به‌شمار آمده است. یکی از علل، همانا موقعیت جغرافیایی ایران است. واقع شدن ایران بر کرانه دو آبراه طبیعی یکی در شمال و دیگری در جنوب، امکان طبیعی بسیار مناسبی را برای گسترش دادوستد در طول تاریخ ایران فراهم نموده است. این موضوع یعنی بهره‌مندی ایران از آبراه‌های طبیعی (دریای خزر و خلیج فارس) در دوران‌های پیش و پس از اسلام، نقش محوری در اقتصاد و نیز بازرگانی ایران ایفا نموده است. از سوی دیگر برخورداری ایران از دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب، مجموعه شرایطی را برای کشور ایران در طول تاریخ فراهم کرده است که نمی‌توان از آن غفلت نمود و از آنجایی که محور گفتگو و مطالعه ما در این رساله، خلیج فارس است، لذا تنها به مسایل مربوط به خلیج فارس از دیدگاه تجاری خواهیم پرداخت اما یادآوری جایگاه و اهمیت دریای خزر برای جامعه ایرانی در طول تاریخ را لازم می‌دانیم. پیوند بین بازرگانی ایران و خلیج فارس و نتایج عملی آن در تاریخ ایران از چنان جایگاه و نقشی برخوردار می‌باشد که قطع شدن پیوند بین این دو پدیده، همواره موجب پیدایش نقاط عطف سلبی در جامعه ایران شده است. از سوی دیگر ایجاد پیوندهای عمیق بین بازرگانی ایران و خلیج فارس باعث بروز نقاط عطف ایجابی در تاریخ و جامعه ایرانی شده است. به عبارت دیگر، هرگاه ایران و مناسبات تجاری آن در خلیج فارس از پیوستگی و پیوند ساختاری و منطقی برخوردار بوده، جامعه ایرانی از نتایج و دستاوردهای آن به اشکال گوناگون برخوردار شده و هرگاه مناسبات تجاری ایران و خلیج فارس دچار گسست و انقطاع شده، پیامدهای منفی و سلبی آن دامنگیر جامعه ایرانی شده و به اعتقاد ما نقاط عطف سلبی و منفی ایجاد نموده است.

البته این قاعده و قانون، فقط در پیوند با مسائل اقتصادی و تجاری مصداق ندارد بلکه شامل سایر مقولات نیز می‌شود اما آنچه که در این مجال مورد نظر این رساله است مناسبات تجاری و بازرگانی ایران در خلیج فارس در یکی از مقاطع و مراحل بسیار مهم و حیاتی تاریخ ایران در قرون اخیر یعنی دوران حاکمیت افشاریه و زندیه در ایران است. اگر بپذیریم که یکی از بهترین شیوه‌های پرداختن به تاریخ و مقولات تاریخی، داشتن ذهن و اندیشه «مسئله‌دار Problematic» است، آنگاه باید بپذیریم که با نگاهی جستجوگر و ذهنی مسئله‌دار می‌توان به نقاط عطف واقعی در تاریخ توجه کرد.

نقاط عطف و اساسی در تاریخ ایران شامل نقاط پیوند و نقاط گسست در طول مسیر و حرکت تاریخی جامعه ایرانی است. آیا سقوط صفویه یکی از نقاط گسست در تاریخ ایران نیست؟ آیا ظهور نادر شاه یک نقطه پیوند در تاریخ ایران به شمار نمی‌آید؟ آیا مشروطیت به عنوان یک نقطه عطف تاریخی محسوب نمی‌شود؟ آیا زمینه‌های واقعی و تاریخی ظهور و بروز انقلاب مشروطیت و به عبارتی گذر از جامعه سنتی به جامعه‌ای شبه‌مدرن و به عبارتی متجدد، تنها ناشی از همان وضعیت دوران چند ساله حاکمیت مظفرالدین شاه و ناصرالدین شاه قاجار بود؟ و یا اینکه زمینه‌های تاریخی به دوران افشاریه و زندیه نیز می‌رسید؟ بدین ترتیب ملاحظه می‌کنیم که مسائل تاریخ و جامعه ایرانی، مسائلی اساسی و پیچیده است. بر این مبنا پرداختن به بازرگانی ایران در خلیج فارس در دوران افشاریه و زندیه را باید یکی از مسائل مهم و اساسی تاریخ ایران به شمار آورد. اصولاً پیوند بین پدیده بازرگانی و خلیج فارس در قرون جدید، یکی از نقاط عطف تاریخ خلیج فارس نیز به شمار می‌آید که دارای تأثیرات و پیامدهای فراوان و تاریخی بر محیط پیرامونی آن بوده است، کما اینکه در قرون نخستین اسلامی و نیز در دوران میانه تاریخ ایران شرایط تجاری خلیج فارس تأثیرات مهمی بر پیرامون آن داشت، به طوری که در دوران پس از اسلام، خلیج فارس نقش مهم و محوری در شکل‌گیری روح و ماهیت حاکم بر فرهنگ و تمدن اسلامی که همانا تجارت و بازرگانی بود، ایفا کرد. آیا در دوران افشاریه و بویژه در دوران نادر شاه، تجارت ایران در خلیج فارس دچار رکود بوده است؟ آیا نادر شاه فاقد سیاست و الگوی رفتاری روشن در باب تجارت ایران در خلیج فارس و تقویت آن بوده است؟ آیا واقعاً تجارت در دوره نادر شاه مورد توجه نبوده است؟ بازرگانی و تجارت ایران در عصر افشار و زندیه در خلیج فارس از چه شرایط و جایگاهی

برخوردار بوده است؟ این شرایط و جایگاه در مجموع چه سهمی را به ایران اختصاص داده است؟ آثار و نتایج آن برای جامعه ایرانی به چه شکل و نحوی خود را نشان داده است؟ اینها و پرسش‌هایی از این دست، نشان‌دهنده وجود مسایل و ابعاد روشن نشده‌ای از تاریخ ایران و جامعه ایرانی در دوران مهم و انتقالی افشاریه و زندیه می‌باشند که نمی‌توان به صرف فقدان منابع تاریخی و یا فقدان گزارش‌های مفید تاریخی از پرداختن و رفتن به سوی آنها پرهیز نمود. یکی از پرسش‌های مهم در پیوند با موضوع این رساله و دوره تاریخی مورد بحث این است که گفتمان حاکم و غالب در تحولات کدام بوده است؟ به عبارت بهتر در مجموعه تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن دوره در تاریخ ایران و البته در پیوند با مسایل خلیج فارس کدام گفتمان «Discourse» غلبه داشته است؟ لازم به توضیح است که منظور از گفتمان در این بررسی و گفتگو، مفهوم رایج، مصطلح و در عین حال نادرست آن نیست، بلکه اشاره به الگوی حاکم و روح غالب در مناسبات اقتصادی و اجتماعی و ساختار قدرت واقعی عمل‌کننده در این مناسبات است. البته توجه به ابعاد مختلف موضوع و به کارگیری این الگو هم می‌تواند در مسایل خرد و جزئی تاریخی و اجتماعی (Micro) و هم در امور کلان (Macro) مورد توجه باشد و لذا یادآوری این نکته مهم به نظر می‌رسد که منظور ما از مفهوم گفتمان، در این رساله و به کارگیری آن شامل تمام سطوح اعم از خرد و کلان خواهد بود. شاید بیان نمونه‌ای از مسایل مطرح در این شیوه مطالعه؛ همانا اشاره به موضوعات فرهنگی و پیوستگی آن با تحولات اقتصادی و غیره باشد. به طور مثال در قرون نخستین اسلامی و بویژه در عهد پیامبر اسلام (ص) و خلفای راشدین و حتی در دوران اموی و اوایل عصر عباسیان گفتمان حاکم بر جوامع و منطقه‌ای که ایران و خلیج فارس هم شامل آن می‌شد، گفتمان «امت» بود و می‌دانیم که منظور از امت یا امت اسلامی، جامعه جدیدالظهوری بود که اعتقاد اسلامی و نظام سیاسی برخاسته از آن، آن را به هم پیوند می‌زد و لذا برنامه‌ها، اقدامات و سیاست‌ها، بطور کلی چه در سطح کلان و چه در سطح خرد، بر مبنای گفتمان «امت» تنظیم می‌شد و لذا، امت به عنوان قوی‌ترین عامل و محور در مجموعه مناسبات و پیوستگی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی جهان اسلام در آن روزگار مطرح بود اما دوران غلبه گفتمان امت دیری نپایید و به جای گفتمان اسلامی «امت» گفتمان‌های دیگر و الگوهای دیگری ظهور کردند که اکنون جای پرداختن به آن نیست اما نکته جالب این

است که نادر شاه افشار، یکی از بازیگران و عناصر اصلی روزگار مورد مطالعه ما، به نوعی به دنبال احیای گفتمان «امت اسلامی» بود. آیا سیاست مذهبی وی نتیجه‌ای غیر از گفتمان اسلامی «امت» را به دنبال داشت؟ آیا شرط لازم و ضروری برای احیای گفتمان «امت» وحدت ملل اسلامی نبود؟ آیا نادر شاه در پی تحقق این هدف نبود؟

به هر صورت باید گفت که گفتمان حاکم بر ذهن حاکمان ایران، حداقل پس از دوره مغولان، توجه به ثروت و منابع ثروت موجود در جنوب ایران بود. این مسئله البته به وسیله شواهد متعدد قابل تأیید و اثبات است. مناطق جنوبی ایران در مقایسه با نیمه شمالی از توان اقتصادی مناسب بویژه در عرصه بازرگانی و ثروت سرشار برخوردار بود و بنابراین حاکمان ایران به دنبال تسلط روز افزون بر ثروت و منابع اقتصادی جنوب ایران بودند. این امر در دوران صفویه هم صادق است و صد البته در عصر افشار، زند و قاجار نیز، به همین دلیل یکی از فرضیات محوری این پژوهش عبارت است از اینکه نادر شاه افشار و نیز خان زند دارای سیاست و الگوی نظری و عملی روشن برای توجه به خلیج فارس و تقویت تجارت ایران در آن بودند.

در این پژوهش توجه به شرایط اقتصادی، منابع ثروت و مناسبات بازرگانی جنوب ایران که در پیوند با خلیج فارس و فضای تجاری آن شکل می‌گیرد، یکی از محورهای اساسی است. نقش جنوب ایران به انضمام خلیج فارس در ساختار سیاسی، اقتصادی کشور با توجه به عوامل دخیل در آن از جمله مباحث اساسی می‌باشد. یکی دیگر از مسایل و موضوعاتی که پیش از پرداختن به موضوع اصلی به طور فشرده و گذرا مورد اشاره قرار خواهد گرفت، پیشینه تاریخ سیاسی و اقتصادی خلیج فارس تا سقوط اصفهان به دست افغانه غلزایی و در واقع تا سقوط صفویان است. در این بخش مسائلی از قبیل بازرگانی و دریانوردی ایرانیان در خلیج فارس از دوران پیش از اسلام تا عصر صفویه به همراه بررسی وضعیت سیاسی و اقتصادی خلیج فارس و جایگاه تجارت و بازرگانان در ساختار سیاسی و اقتصادی آن و فروپاشی حکومت صفویان و نتایج مترتب بر آن مورد بررسی واقع خواهد شد.

موضوع اصلی این پژوهش که همانا بررسی تجارت ایران در خلیج فارس در دوران افشاریه [عمدتاً نادر شاه] و زندیه است در پنج بخش مورد بررسی قرار گرفته است. به طور کلی اهمیت دوران اقتدار و پادشاهی نادر شاه افشار از یک سو و جایگاه مهم

دوران حکومت کریم خان زند تنها در دستاوردها و اقدامات سیاسی و یا نظامی آنان خلاصه نمی شود، بلکه اهمیت ویژه این دوران در آن است که نه تنها جامعه ایرانی بلکه منطقه خلیج فارس و نیز خاورمیانه در حالت گذر و انتقال قرار داشتند. این شرایط گذر و انتقال در ایران و مناطق پیرامونی آن و از جمله خلیج فارس در وضعیتی رخ می داد که تحولات جهانی هم به سرعت در حال گسترش بود. این دوران که در حقیقت شامل فراز و نشیب های تاریخ ایران و خلیج فارس در قرن هجدهم میلادی / دوازده قمری می شود عصری است که در اوایل آن در روسیه تزاری پترکبیر ظهور می کند، هلند از صحنه اقتصاد جهان خارج می شود، انگلستان یک تاز عرصه استعمار می گردد و در اواخر آن در فرانسه انقلاب کبیر به وقوع می پیوندد و معادلات جهانی در روندی که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، گفتمان سرمایه داری و تجارت بر آن حاکم است، به سرعت در حال تکامل و تحول قرار می گیرد.

بررسی اوضاع سیاسی ایران و خلیج فارس در عهد نادر شاه افشار به همراه تجزیه و تحلیل شرایط تجاری حاکم بر منطقه خلیج فارس در این دوره از جمله مسائلی است که نقشی کلیدی در درک و فهم مسایل دیگر دارند. از سوی دیگر شرایط تجاری ایران و نقش بازرگانی خلیج فارس در آن از جایگاه ویژه ای برخوردار است. البته اوضاع مناطق جنوبی ایران بویژه کرانه های خلیج فارس که تحت تأثیر فضای تجاری حاکم بر خلیج فارس قرار دارند نیز مد نظر خواهد بود.

نکته مهم در سیر تحولات اجتماعی و اقتصادی ایران بویژه در پیوند با مناطق جنوبی ایران و کرانه های خلیج فارس، مسئله پیامدهای قتل نادر شاه افشار است. قتل نادر شاه افشار و فقدان حکومت مقتدر مرکزی در ایران از یک سو و زمینه های مساعد برای پیدایش کانون های ثروت و قدرت تجاری در کرانه های خلیج فارس از سوی دیگر، موجبات ظهور قطب های سیاسی، تجاری متعدد و جدیدی را در کرانه های خلیج فارس به وجود آورد که پیامدها و اثرات آن به امور اقتصادی و بازرگانی محدود نشده بلکه پیامدهای سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی آن دامن کشور ایران را گرفت و در واقع مقدمات جدایی بخش بسیار مهم و حساسی از صفحات مرتبط با ایران را فراهم کرد. پس از قتل نادر شاه و انتشار خبر آن، اعراب عمان که سال ها و قرن ها تحت حاکمیت و تابعیت حکومت ایران بودند و اعراب جواسم یا قواسم که آنها نیز تابع ایران و در واقع

اعراب ایرانی بودند، پرچم گریز از مرکز را برداشتند و نهایتاً هم همراه با شدت گرفتن روند تمرکززدایی Decentralization در ایران آنها نیز به اهداف و مقاصد خود نائل آمدند.

پس از قتل نادر شاه و دوران هرج و مرج پس از آن، تاریخ ایران شاهد روی کار آمدن کریم خان زند در بخش اعظم ایران و البته نه همه جای آن بود. کریم خان زند علیرغم تمام ویژگی‌های مثبتی که از او گزارش گردیده، نه تنها نتوانست از پیامدها و عوارض منفی قتل نادر شاه به‌خصوص در پیوند با مسایل خلیج فارس جلوگیری کند بلکه در آنچه که بی‌عدالتی‌های نادر شاهی نیز خوانده شده دست کمی از وی نداشت و تا حدود زیادی همان مسیر را پیمود.

اوضاع سیاسی زندیه و سیاست‌های عمده کریم خان نیز به نوعی تحت‌الشعاع امور اقتصادی قرار داشت. حمله کریم خان زند به بصره پیش از هر امر دیگری به جهت برون‌رفت از فشار و رکود اقتصادی و بویژه رکود تجاری بنادر ایران در کرانه‌های خلیج فارس بود، بنابراین، ضمن پرداختن به شرایط سیاسی عهد زندیه و نیز امور اقتصادی به‌خصوص بازرگانی و دریانوردی به بررسی جایگاه تجارت و سهم ایران در بازرگانی خلیج فارس می‌پردازیم و در همین عرصه اثرات و پیامدهای سقوط زندیه بر تجارت ایران و خلیج فارس نیز مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

اما آنچه که تاکنون ذکری از آن به میان نیامده است، نقش بازرگانان و گروه‌های تجاری بیگانه در ایران و خلیج فارس است. بررسی اثرات حضور آنان در عرصه بازرگانی ایران از یک‌سو و عرصه معادلات سیاسی و اقتصادی خلیج فارس از سوی دیگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مجموعه اعمال، سیاست‌ها و رفتارهای سیاسی، تجاری، مالی و نظامی این گروه‌های تجاری دارای تأثیرات پایدار و مهمی در سطح تاریخ ایران و خلیج فارس بوده است. به‌طور مثال در مقطع زمانی مورد بحث رساله، این گروه‌های تجاری و شرکت‌های بازرگانی خارجی، عملاً زمینه‌های انتقال جوامع پیرامونی خلیج فارس به سوی دوره استعمار و کلنی نمودن مناطق را به وجود آوردند.

شناخت این تأثیرات به همراه نقشی که آنان در شکل‌گیری تحولات از یک‌سو و بروز و ظهور ساختارهای سیاسی و اقتصادی در منطقه از سوی دیگر ایفا کردند حائز اهمیت

بسیار است. گروه‌ها و شرکت‌های تجاری پرتقالی، هلندی، انگلیسی و فرانسوی از جمله گروه‌ها و شرکت‌های بازرگانی هستند که در کنار آنها بایستی هندی‌ها، ارامنه و دیگران را نیز مد نظر قرار داد.

موضوع مهم دیگری که در این مطالعه سعی شده است به آن توجه گردد، موضوع نقش و جایگاه نیروها و حکام محلی در کرانه‌های خلیج فارس در مقطع زمانی مورد بحث است. در اینجا منظور از حکام محلی، افراد و نیروهای محلی کرانه‌های خلیج فارس است. می‌توان گفت که برای نخستین بار در ایران در یک رساله دانشگاهی تلاش گردیده که به این موضوع توجه شود و از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

ارائه تعریفی رسا از این افراد و گروه‌های محلی، جایگاه و نقش آنها در شکل‌گیری تحولات و حوادث و نیز پیامدهای آن، باعث شده است که بخش ویژه‌ای به این امر اختصاص یابد. گفتمان حاکم بر این بخش از تحولات کرانه‌های خلیج فارس که اتفاقاً در پیوند مستقیم با مقوله تجارت ایران در خلیج فارس نیز هست، گفتمان بومی‌گرایی و ایجاد قدرت‌های محدود در مراکز تجاری کرانه‌های خلیج فارس و به نوعی دولت شهرهای تجاری است که به شدت به دنبال تمرکززدایی و گریز از مرکز بودند. ناگفته پیداست که سعی و تلاش و نیز ارزیابی ما در حدی خواهد بود که منابع و مآخذ به ما اجازه خواهند داد.